

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۹

صص ۷۹-۹۴

بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد

سیدعلیرضا افشانی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد*

سعید نوائی، دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد

مجتبی دلبازی اصل، دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. هدف از این پژوهش، بررسی نزاع در بین شهروندان می‌باشد. روش انجام پژوهش، پیمایش و جامعه آماری، شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال ساکن شهر یزد است که ۳۲۴ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته، استفاده شده است. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل عاملی، آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون، تحلیل شدند. نتایج حاصل از آزمون‌ها حاکی از رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی و ابعاد نزاع می‌باشد. از سوی دیگر نتایج نشان داد که افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری نسبت به نزاع دارند و افراد متأهل و افراد مجرد از نظر میزان گرایش و تمایل به نزاع تفاوت معناداری داشته‌اند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد که در مجموع متغیرهای مستقل ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمودند. واژه‌های کلیدی: نزاع، شهروندان، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی، دسترسی به امکانات رفاهی.

مقدمه

نزاع، نوعی بی‌نظمی در روابط اجتماعی میان افراد و گروه‌ها می‌باشد که یکی از مهم‌ترین مسائل محسوب می‌شود. این مسأله پیامدهای اجتماعی گوناگونی را در بر داشته که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کاهش ابعاد گوناگون امنیت در جامعه یاد شده اشاره نمود. نزاع‌های خیابانی: دعوایی که گاه علاوه بر ناسزاگفتن و داد و فریاد طرفین، به زد و خورد هم منجر شده است. نزاع‌هایی که در هر جامعه با توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن جامعه اتفاق می‌افتد و میزان زیاد بودن یا کم بودن آن در گرو عوامل مختلفی است. افزایش فقر، بیکاری و تورم از جمله عوامل مهم و موثر در رشد جرایم و نزاع به شمار می‌رود. ناامیدی نسبت به حل مشکل از طریق مراجع تعیین شده برای این کار و طولانی بودن روند مطالبه حق نیز یکی از موارد مهم دیگر است چرا که؛ وقتی افراد احساس کنند اگر خودشان وارد قضیه شوند و بخواهند مشکل را حل کنند سریع‌تر به نتیجه می‌رسند یا دست کم می‌توانند انتقام خودشان را بگیرند، به طور شخصی وارد قضیه می‌شوند که چه بسا به نزاع و درگیری و حتی قتل بینجامد.

جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه امروز ایران را چنین برشمرده‌اند: اعتیاد، روسپیگری، نزاع و درگیری، سرقت، قتل، خودکشی، فرار، تکدی و جرایم مالی. از این‌رو این گونه آسیب‌ها در نظر آسیب‌شناسان اجتماعی دارای اهمیت و اولویت در مطالعه و پژوهش و اقدام اجتماعی قرار دارد (خراطها و جاوید، ۱۳۸۴: ۱۶).

طی سال‌های ۷۶ تا ۸۰، جمعاً ۳۰۲۹۹ مورد نزاع غیر مسلحانه در کشور ثبت شده است. در این نزاع‌ها ۶۶۰ نفر کشته و ۲۷۶۳۳ نفر مجروح شده‌اند. در این رابطه، ۶۷۶۲۳ نفر نیز دستگیر و به مقامات قضایی تحویل شده‌اند. بیشترین نزاع دسته جمعی غیر مسلحانه مربوط به سال ۷۷، بیشترین کشته مربوط به سال ۸۰ و بیشترین مجروح نیز مربوط به سال ۸۰

بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۹)؛ همچنین، وزارت کشور در سال ۱۳۸۳ بیان داشته است که: «میانگین فراوانی نزاع دسته جمعی در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ برای کل کشور معادل ۱۱/۸ مورد به ازای هر صد هزار نفر بوده است» (وزارت کشور، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

آمار نزاع در کل کشور طی ۶ سال با رشدی برابر ۸۰ درصد مواجه بوده است و این موضوع می‌تواند بحرانی و قابل تأمل ارزیابی شود (صدیق سروسرستانی، ۱۳۸۳). بیشترین تعداد نزاع به ازای هر صد هزار نفر در سال ۱۳۸۱ به استان‌های خوزستان (۴۴/۶ مورد)، یزد (۴۰ مورد) و تهران (۳۹/۳ مورد) و کمترین تعداد به استان‌های اصفهان (۱/۷ مورد)، بوشهر (۲/۹ مورد)، قزوین و گلستان (هر یک ۴/۷ مورد) اختصاص داشته است. باید توجه داشت که بنا به علت‌های فرهنگی و اجتماعی خاص، شمار زیادی از نزاع‌ها و آمار ضرب و جرح‌ها از سوی افراد و خانواده‌ها در ایران به مراکز پلیس گزارش نمی‌شود و این میزان شاید چند برابر مقدار گزارش شده باشد (همان).

آمار نزاع و درگیری از آن دسته از آمار است که در تمام کشور وجود دارد، چرا که تعداد مراجعان نزاع در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ به پزشکی قانونی نشان می‌دهد که در این سال‌ها بیشترین تعداد مراجعان نزاع با رقم ۶۲۹ هزار و ۳۶ نفر در سال ۱۳۸۹ و کمترین آن با رقم ۵۴۷ هزار و ۵۲۱ در سال ۱۳۸۶ ثبت شده است (سازمان پزشکی قانونی، ۱۳۹۰).

این آمارها همچنین نشان می‌دهد در طی این نزاع‌ها در مجموع ۱۵۳ هزار و ۲۲۶ زن و ۳۷۳ هزار و ۶۷۶ مرد درگیر بوده‌اند. اما جدیدترین آمارها نشان می‌دهد در ۱۰ ماهه سال ۱۳۹۰، ۵۲۶ هزار و ۹۰۲ مورد، معاینات نزاع در مراکز پزشکی قانونی کشور صورت گرفته، این آمار نسبت به مدت مشابه سال قبل که مراجعات نزاع ۵۵۲ هزار و ۱۷۳ مورد بود، ۴/۶ درصد کاهش یافته است (همان).

بر اساس آمارهای سازمان پزشکی قانونی، تا پایان بهمن ماه سال ۸۹، ۵۶۷ هزار و ۳۱۵ پرونده نزاع شامل ۴۰۱ هزار و

است؟

پیشینه پژوهش

پورافکاری (۱۳۸۳) در تحقیقی به «بررسی تحلیلی بر تنش‌های قومی ایران» پرداخته و نشان داد که نزاع دسته جمعی بیشتر در میان خانواده‌های با درآمد کمتر رخ می‌دهد. ابعاد فرهنگی و اجتماعی ساکنان منطقه؛ مانند بی‌سوادی، عدم آشنایی با قانون‌ها، حفظ سنت‌های قبیله‌ای، ضعف مالی و تعصب قومی در این مسأله مؤثر بوده‌اند.

نظری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر مسأله نزاع جمعی (مطالعه موردی استان ایلام)» به این نتیجه رسیده است که متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم‌گرایی» و «تجربه عینی نزاع» تأثیر معنی‌دار و مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنی‌دار و منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند.

در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۸۶) با عنوان «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه»، در اولویت‌بندی متغیرهای مستقل، ارتقای سطح آگاهی و معلومات مردم بیشترین تأثیر و سپس توانمندی و سرعت عمل پلیس، احکام صادره قضایی، افراد معتمد و ریش سفید طوایف، خلع سلاح عمومی در اولویت‌های بعدی تأثیر بر نزاع‌های دسته جمعی مسلحانه قرار گرفته است.

نتایج پژوهش نظری و امینی فسخودی (۱۳۸۷) حکایت از تأثیر معنی‌دار و مثبت متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم‌گرایی» و «تجربه عینی نزاع» و همچنین تأثیر معنی‌دار منفی میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع داشت. ولی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان و مردان و افراد متأهل و مجرد به لحاظ دو متغیر گرایش به نزاع (به عنوان متغیر وابسته) و پرخاشگری (به عنوان تأثیرگذارترین متغیر مستقل) در جوامع روستایی استان وجود نداشت. همچنین،

۶۳۷ پرونده مربوط به نزاع مردان و ۱۶۵ هزار و ۶۷۸ مورد مربوط به نزاع زنان به پزشکی قانونی ارجاع شده است که در استان‌های بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قم، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و مرکزی با افزایش روبرو بوده است (همان).

تعداد مراجعه‌کنندگان نزاع را در طول سال ۱۳۹۰ استان یزد ۷ هزار و ۶۳۸ نفر اعلام شد. این آمار در مقایسه با مدت زمان مشابه در سال ۱۳۸۹ کاهش پنج دهم درصدی دارد. تعداد مراجعان نزاع که در طول سه ماهه اول سال ۱۳۹۱ به مراکز پزشکی قانونی سطح استان یزد مراجعه کرده‌اند با کاهش ۶۷ درصدی از تعداد دو هزار و ۱۸۵ نفر در سه ماهه اول سال گذشته به دو هزار و ۳۸ نفر رسید (سازمان پزشکی قانونی یزد، ۱۳۹۱).

اساساً می‌توان نزاع را چنین تعریف کرد: «رویارویی پرخاشگرانه و ستیزه‌جویانه که توأم با خشم، کینه و انتقام صورت می‌گیرد؛ و سبب قتل، ضرب و شتم و مجروح و معلول شدن طرف‌های درگیر می‌شود و خسارات مالی فراوانی نیز به بار می‌آورد» (پورافکاری، ۱۳۸۳). همچنین، می‌یر^۱ معتقد است: «نزاع عبارت است از کشمکش مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر» (می‌یر، ۱۳۶۸). این مسأله با وقوع قتل، نقص عضو، زندان، خسارت مالی و بحران‌های روحی غیرقابل جبران برای هر دو طرف نزاع و خانواده‌های آنها و ایجاد پیامدهایی چون افزایش آسیب‌های اجتماعی، تأثیر منفی بر امنیت اجتماعی و مخدوش کردن چهره فرهنگی استان نیازمند توجه و بررسی می‌باشد. همچنین، این پدیده باعث ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این تحقیق بر آن است تا بسنجد که چه عواملی بر میزان نزاع در بین شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر یزد مؤثر

¹ Meier, Peter

بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر اعتماد تأثیری بر گرایش به نزاع جمعی نداشته است، اما خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی داشته‌اند.

نتایج مطالعه شریعتی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان خدابنده» نشان داد که بین متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی - تاریخی و گرایش به نزاع دسته جمعی در شهرستان خدابنده رابطه معناداری وجود دارد که بر مبنای تبیین صورت گرفته از طریق رگرسیون و همچنین تحلیل مسیر، بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای اختلاف ملکی و خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر تمایل بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی داشته است.

میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان دادند که جوانان، مردان، مجردها، روستائیان و افراد دارای پایگاه اقتصادی پایین، به میزان بسیار بالایی در نزاع‌های دسته‌جمعی شرکت داشته‌اند؛ افراد دارای تحصیلات زیردپلم و بی‌سواد ۶۴ درصد نزاع‌های جمعی را به خود اختصاص دادند. بیشتر نزاع‌ها در روستاها رخ داده و در شهرها نیز اکثر نزاع‌ها در معابر عمومی شهر رخ داده‌اند. در زمینه‌های بروز درگیری بین گروه‌ها، مسائل ملکی-زراعی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از آن نیز شوخی‌ها و بی‌احترامی‌های کلامی، مسائل مالی، اختلافات قدیمی، ناموسی، خانوادگی و ... در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند.

در پژوهش واحدی و دیگران (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲ (مطالعه موردی شهر خوی)»، رابطه متغیرهای سن، احساس آنومی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و کنترل اجتماعی با نزاع تأیید شد ولی رابطه

میزان گرایش به نزاع و پرخاشگری در بین طوایف مختلف و مناطق روستایی شهرستان‌های مورد مطالعه تقریباً یکسان بود. نایی و جسورخواجه (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه روستاهای کویچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی)» به این نتیجه رسیدند که در جایی که گروه‌های متمایز اجتماعی وجود دارد مبارزه آنها برای کسب قدرت و منابع کمیاب (آب و زمین) در بروز نزاع‌های دسته‌جمعی نقش تعیین‌کننده دارد. از سوی دیگر در جایی دیگر که مبتنی بر نظام خویشاوندی نسبتاً یکپارچه‌ای است و گروه‌بندی‌های متمایز اجتماعی شکل نگرفته است، نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد. نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد.

ربانی و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)» به این نتیجه رسیدند که: الف) گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالا بوده، ب) از بین متغیرهای مستقل مطرح شده، تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع جمعی، بیش از سایر متغیرها بوده و ج) تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع جمعی، کاهش یافته است.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در شهر اهواز» به این نتیجه رسیدند که بین احساس محرومیت نسبی، احساس آنومی، خاستگاه خانوادگی، تعلق به جامعه قبیله‌ای و میزان کنترل اجتماعی با گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معناداری وجود دارد ولی بین سن و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه معناداری یافت نگردید.

میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «میزان گرایش به نزاع در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان

تحقیق محقق با به کار بردن نظریه بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک‌کی، نظریه خویشتن‌داری و نظارت اجتماعی هیرشی و نظریه همنشینی افتراقی ساترلند و با تأکید بر بافت مناطق (محلات) به تبیین رفتار خشونت‌آمیز جوانان پرداخته است. نمونه این تحقیق از دانش آموزان دبیرستان است و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نتایج نشان داد جوانان ساکن در مناطق بی‌سازمان، پیوندهای اجتماعی ضعیفی دارند و ضعف خویشتن‌داری با گروه‌هایی که تعاریف بزهکارانه داشتند همبستگی داشت و رفتار خشونت‌آمیز محصول نظارت اجتماعی ضعیف است که به محیطی که این افراد در آن ساکن بودند مربوط می‌شد.

تونگ^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "خشونت و ضربه روحی در امپراطوری پرو: نزاع، یورش و جدال‌های مذهبی" مدارکی مبنی بر خشونت و نزاع در مدت زمان امپراطوری «واری» در پرو از طریق تجزیه و تحلیل ضربه‌هایی که به استخوان‌ها در دوره‌های ۶۵۰ تا ۸۰۰ بعد از میلاد بر استخوان‌ها وارد شده به دست آورده است. نتایج نشان دهنده این مطلب هستند که ضربه به جمجمه در بین نمونه‌ها به طور قابل چشمگیری بیشتر از سایر قسمت‌ها بوده است. این موضوع بیان‌کننده این مطلب است که قوانین زمان «واری» همراه با خشونت بسیار بوده است.

استدمن^۵ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان "نزاع در ارندرف، مکانی در میسی سی پی در مرکز ایلی نوبیز امریکا" با مطالعه و پژوهش در ارندورف بیان می‌دارد که شانزده درصد افرادی که وحشیانه مرده‌اند به این علت بوده است که گروه‌های کوچکی به زور وارد این منطقه شده‌اند. در این مطالعه فراوانی و ماهیت افرادی که در این نزاع‌ها از سال ۱۲۵۰-۱۱۵۰ میلادی بر اثر خشونت و نزاع دچار ضربه روحی شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند. همه این افراد بالای ۱۵ سال سن داشتند و تعداد قربانیان زن و مرد برابر بودند. از

متغیرهای پایگاه اجتماعی و محرومیت نسبی با نزاع تأیید نشد.

بر اساس نتایج پژوهش عشایری و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۲) رابطه مثبت و معناداری بین متغیرهای اجتماعی (نظارت نیمه رسمی، نظارت رسمی، نظارت مردمی و طایفه گرایی)، اقتصادی (اختلافات ملکی و کمیابی منابع) و فرهنگی (مسائل ناموسی و باورهای طایفه‌ای) با نزاع دسته جمعی وجود دارد، اما رابطه عوامل سیاسی در قالب رقابت نخبگان (رقابت اعضای شورا و انتخاب دهیار) با نزاع دسته جمعی معنادار نبوده است.

مک لوقلین^۱ (۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "زنان جنگجو: نزاع و جامعه در اروپای قرون وسطی" عنوان نموده است که اخیراً به نقش زن و مرد در نزاع‌ها در جامعه توجه زیادی شده است. واضح و روشن است که اگر بخواهیم بدانیم که چه‌طور مذکر یا مؤنث بودن به تجربه جنگ و نزاع تأثیر می‌گذارد، باید فراسوی رفتار واقعی و نقش‌هایی که در جامعه دارند را در نظر بگیریم. این محقق معتقد است که باید پروسه تعامل بین زنان و مردان را مورد بررسی قرار دهیم. در قرون وسطی در اروپا مانند سایر دوره‌های تاریخ بشر نزاع اقدامی مردانه در نظر گرفته می‌شد. بنابراین توصیف نزاع در متون قرون وسطی به مردان اطلاق می‌شود البته بعد از گذر زمان نویسندگان نقش زنان در جنگ‌ها و نزاع‌ها را نیز در نظر گرفتند و آنان را در جنگ‌ها مورد بررسی قرار دادند.

نتایج پژوهش هاین^۲ و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که وضع نامساعد مناطق با افزایش دادن فرصت‌هایی برای نوجوانان برای مشارکت داشتن در شبکه‌های همسالان خشونت‌گرا، به صورت غیرمستقیم بر خشونت آنان مؤثر است. وول^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی «آزمون جزئی یک مدل تلفیقی نظارت: بافت منطقه، نظارت اجتماعی، خویشتن‌داری و رفتار خشونت‌آمیز جوانان» پرداخت. در این

¹ McLaughlin

² Haynie

³ Vowell

⁴ Tung

⁵ Steadman

میان این افراد ۱۶٪ از آنها بزرگسالانی بودند که دچار ضربه روحی شدند که در مقایسه با دیگر گروه‌های میسی سی پی در جنوب شرق بیشترین بود.

چارچوب نظری

به منظور فراهم ساختن زمینه پژوهش و آمادگی برای مطالعه و گردآوری داده‌ها و تحلیل نتایج، ضروری است مبانی نظری مرتبط با موضوع مد نظر قرار گیرد. در ارتباط با نزاع جمعی به عنوان یکی از انواع کج رفتاری‌ها می‌توان از تبیین‌هایی که در این زمینه وجود دارد، بهره گرفت. تعدد نظریاتی که در زمینه کج رفتاری وجود دارد، حکایت از آن دارد که نظریه‌ای و حتی مکتبی جامع که در این زمینه مورد قبول عام واقع شده باشد، وجود ندارد و اصولاً با دیدگاه‌های متفاوت به این پدیده نگریده می‌شود. برخی در یک دسته‌بندی کلان کلیه عوامل مطرح شده توسط صاحب‌نظران را به سه دسته بزرگ زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تقسیم کرده‌اند (صدیق سروسناتی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱). علاوه بر این می‌توان اشاره نمود که جدیدترین دسته بندی نظریه‌های مربوط به کج رفتاری اجتماعی تقسیم‌بندی دو گروه اثبات‌گرا و برساخت‌گرا است. در رویکرد اثبات‌گرایی به کج رفتاری به عنوان پدیده‌ای واقعی، عینی و جبری نگریده می‌شود؛ در نتیجه سه دسته مهم نظریه‌ها در چنین پارادایمی قابل تشخیص و تفکیک می‌باشد: (۱) نظریه‌های فشار اجتماعی؛ (۲) نظریه‌های یادگیری اجتماعی و (۳) نظریه‌های کنترل اجتماعی (همان: ۴۳) و سه دسته مهم از نظریه‌های برساخت‌گرا نیز: (۱) انگ‌زنی؛ (۲) نظریه‌های پدیدارشناختی و (۳) نظریه تضاد می‌باشد (همان: ۵۶). از جمله نظریه‌های جامعه‌شناسی که در ارتباط با مسأله نزاع قابل طرح است، مفهوم بی‌هنجاری (آنومی از نگاه دورکیم و مرتون) می‌باشد. نابهنجاری^۱ متضمن فقدان گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. به طور ساده بی‌هنجاری مربوط به وضعیتی می‌شود که انجام

امور فارغ از هرگونه هنجاری صورت می‌پذیرد و در آن حالت چیزی نمی‌ماند، جز اشتباهات فردی و کنترل ناپذیری اشخاص که بی‌حد و حصر اشباع ناپذیر است (چلبی، ۱۳۷۲). ایده اصلی دورکیم در این خصوص آن بود که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل ناپذیر می‌شود، و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده آنومی، یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب، مقدمه‌ای برای بروز کجروی و خودکشی است. این مفهوم از نظر مرتون به نارسایی فشارهای ساختی جامعه برای هم‌نواپی با ارزش‌های فرهنگی آن برمی‌گردد و بروز انحرافات را ناگزیر می‌سازد (کوئن، ۱۳۷۲). علت آشکار تحقق آنومی از نظر دورکیم، تحول شتابان اقتصادی است، زیرا این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال می‌آورد (داوری، ۱۳۸۰: ۴۳۰ به نقل از نظری، ۱۳۸۶). بدین ترتیب، نزاع و سایر اشکال کژرفتاری‌ها در اندیشه دورکیم معلول مکانیسم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص می‌باشند. اگرچه او به طور اخص بر روی نزاع تأکید نمی‌کند، آشکارا بر این اصل تأکید دارد که فقدان اجماع در باب ارزش‌های مقرر به محور و غیبت تدریجی آتوریت و ضابطه اخلاقی منجر می‌گردد و جامعه، مدیریت مؤثر و کنترل اجتماعی لازم را بر فرد از دست می‌دهد. ثبات اجتماعی برخاسته از قواعد اخلاقی و نحوه مدیریت صحیح اجتماعی و منوط به چگونگی اعمال کنترل اخلاقی بر افراد یک جامعه است. از این رو فقدان چنین ضابطه کنترلی و مدیریت اخلاقی در بروز بی‌هنجاری اجتماعی از جمله نزاع نقش اساسی ایفا می‌کند (نظری، ۱۳۸۶: ۹۴). مرتن، انحراف و کژرفتاری را ناشی از گسستگی و انفصال بنیادی بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان‌ها می‌داند. از این رو انحراف نه یک مسأله خاص فردی بلکه به عنوان امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است. توجه ویژه مرتن به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید بیش از حدی ارزش‌ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل بر اسباب و وصول به آن

¹ Anomy

اهداف کمتر تأکید می‌کنند. از همین رو، به واسطه عدم تناسب بین هدف و وسیله، تشکل و یکپارچگی فرهنگی به وجود نیامده بلکه حالتی از احساس بی‌هنجاری یا آنومی در آن جامعه حاکم است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

یکی از موارد و عوامل مهم در گرایش افراد به نزاع، مشاهده آن پدیده و یادگیری آن است که در مقاله حاضر از آن به عنوان تجربه عینی نزاع یاد شده است. تجربه عینی نزاع براساس تئوری یادگیری اجتماعی قابل تفسیر است. براساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های فردی و دسته جمعی، زائیده یادگیری اجتماعی هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). مشاهده رفتار ناهنجار محرکی برای افراد است تا به روش غیرمعمول رفتار نمایند. توجه به این نکته مهم است که کودکان مشاهده‌گر رفتار ناهنجار خود را محدود به تقلید صرف نمی‌کنند، بلکه ناهنجاری‌های بدیع و جدید خلق می‌کنند، این امر دلالت بر آن دارد که تأثیر یک نمونه تعمیم پیدا می‌کند. نتیجه نهایی اینکه باندورا و همکارانش نشان دادند که کودکانی که شاهد پرخاشگری بوده‌اند، بیشتر از کودکانی که در معرض چنین مشاهده‌ای قرار نداشته‌اند، به اعمال ناهنجار دست زده‌اند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

یکی دیگر از متغیرهای این تحقیق دسترسی به امکانات رفاهی می‌باشد. مازلو در نظریه سلسله مراتب نیازها عقیده دارد که همه افراد نیازهایی دارند که آنها را بر اساس سلسله مراتب نیازها مرتب نموده و به عنوان یک نظریه عرضه نموده است. این نیازها عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به سلامت (ایمنی)، نیاز به عشق و محبت (تعلق)، نیاز به احترام، نیاز به خودشکوفایی. مازلو عقیده دارد که برای دسترسی به مراحل بالاتر باید نیازهای مرتبه پایین‌تر رفع و ارضا گردند (کشتکاران و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۶) در غیر این صورت ممکن است فرد دچار خلاء و ناکامی گردد. افزون بر این بسیاری از مشکلات رفتاری (ناهنجاری‌ها، نزاع و ...) و شکست‌ها و ناکامی‌ها را باید به عدم ارضاء یا ارضای ناقص نیازهای

اساسی نسبت داد (حقیقی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۰۵). از آنجا که مفهوم رضایت از زندگی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی می‌باشد الزاماً باید هم از نظریه‌های روان‌شناختی و هم نظریه‌های جامعه‌شناختی استفاده کنیم (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). متغیر دیگر رضایت از زندگی می‌باشد، مازلو مفهوم «رضایت» را مترادف با «ارضای نیاز، تأمین نیاز و رفع نیاز» می‌داند. ارضای نیاز شامل حالاتی مانند نیرومندی، چالاکی، لذت و پاداش است. پس از ارضای یک سطح از نیازها، نیازهای سایر سطوح، اهمیت پیدا می‌کند و آنها خواهند بود که بر رفتار شخص تسلط خواهند یافت تا به پایین‌ترین سلسله مراتب بررسی (Mendoza, 1995). مازلو در مورد اینکه هرکدام از نیازهای انسانی در افراد مختلف تا چه حد ارضا شده و موجب رضایت از زندگی در افراد می‌شود معتقد است نیازها در افراد مختلف متفاوت بوده و نسبی‌اند. نیازهای هیچ‌کسی در تمام موارد و به طور کامل ارضا نشده و هیچ‌کس تاکنون، به رضایت کامل نرسیده است (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲). رویکردهای جامعه‌شناختی عمدتاً عوامل رضایت از زندگی را در تعاملات نظام جامعه‌ای و نظام شخصیت بررسی می‌کنند و با مفهوم سازی از ابعاد مختلف وجودی انسان، رضایت و خشنودی انسان‌ها را در حوزه‌های مختلف جستجو می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۳). طبق این دیدگاه در صورتی که هر کدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی نیازهای فردی انسان‌ها باشد، می‌تواند رضایت از زندگی را برای ایشان فراهم نماید. به این صورت که نظام اقتصادی با فراهم کردن نیازهای معیشتی افراد، سلامت و احساس آسایش مادی، نظام سیاسی با تأمین نیاز امنیت و عدالت، نظام اجتماعی با برآورده نمودن حس اعتماد، هویت جمعی، ایجاد سرمایه اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و ایجاد تحرک اجتماعی و نهایتاً نظام فرهنگی با تأمین حس عزت نفس و ایجاد هویت فردی می‌تواند رضایت و خشنودی افراد را به ارمغان بیاورد (چلبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۹). آنترامیان نشان داد که ساخت خانواده نیز اثر مهمی بر رضایت از زندگی افراد و به‌ویژه نوجوانان دارد به این صورت که نوجوانانی که در خانواده‌های تک سرپرست

در اثر فوت و یا طلاق و یا خانواده‌های غیرصلبی زندگی می‌کنند رضایت کمتری دارند (آنترامیان و همکاران^۱، ۲۰۰۸: ۱۱۲-۱۲۶).

فرضیات تحقیق

بین سن و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان تحصیلات و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان درآمد و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین دسترسی به امکانات و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین تجربه نزاع و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین رضایت از زندگی و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان تحصیلات و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان نزاع بر حسب وضعیت تأهل تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی

این تحقیق با روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری، کلیه مردان ۱۸ تا ۶۰ شهر یزد می‌باشد. با توجه به حجم جامعه براساس سرشماری ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران) و همچنین با توجه به جدول نمونه‌گیری مورگان (کرجسی و مورگان^۲، ۱۹۷۰: ۶۰۷-۶۱۰) نمونه آماری متناسب با آن ۳۲۴ نفر تعیین گردید، روش نمونه‌گیری به کار رفته در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود است. بدین صورت که ابتدا سه منطقه شهرداری یزد به‌عنوان سه خوشه اصلی در نظر گرفته شد و در مرحله بعد خیابان‌ها و میادین اصلی هر منطقه از شهرداری در حکم بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شد و در مرحله آخر به روش تصادفی سیستماتیک (شمارش با فواصل معین خانوارها)، پاسخگویان انتخاب شدند و تعداد ۳۲۴ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید.

تعریف نظری مفاهیم

الف- نزاع

نزاع به عنوان یک آسیب اجتماعی، عمدتاً ناظر به پدیده ضرب و شتم میان حداقل دو نفر است و تعریف اصطلاحاتی آن عبارت است از کنش جمعی دو یا چند نفر که به قصد آسیب رساندن به انسان دیگری صورت می‌گیرد. این آسیب ممکن است جسمی یا روحی، فردی یا جمعی و جانی یا مالی باشد. بنابراین، نزاع انواع و گونه‌های مختلفی پیدا می‌کند.

از نظر کنش‌گرانی که درگیر در واقعه هستند، نزاع شامل دو نوع فردی یا گروهی است. در نوع اول در هر طرف نزاع یک نفر قرار دارد؛ به عبارت دیگر درگیری یک نفر با نفر دوم دیگر به یک منازعه منجر می‌گردد، اما در حالت دوم یک گروه با گروه یا فرد دیگر درگیر می‌شوند. بنابراین از نظر افراد درگیر در نزاع حالات زیر متصور است:

فرد.....فرد

فرد.....گروه

گروه.....گروه

به حالت اول، نزاع فردی و حالت دوم و سوم نزاع گروهی یا جمعی گفته می‌شود. البته بسیاری از نزاع‌های گروهی، محصول گسترش نزاع فردی میان دو نفرند که با حضور و شرکت دیگران تبدیل به منازعه گروهی می‌شود (خراطها، ۱۳۸۵: ۱۰ به نقل از هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۱)

ب- رضایت از زندگی

احساس خرسندی کلی فرد از زندگی (مکینتاش، ۲۰۰۱: ۳۷).

ج- دسترسی به امکانات رفاهی

میزان دسترسی افراد به امکانات رفاهی از قبیل زمین، مسکن، ماشین، سپرده و ...

د- تجربه عینی نزاع

یعنی اینکه آیا فرد تاکنون نزاع یا درگیری را مشاهده نموده است یا خیر؟ (نظری و امینی فسخودی، ۱۳۸۷: ۱۹۵).

تعریف عملیاتی متغیرها

ابزار گردآوری داده‌های تحقیق، پرسشنامه بود که متشکل از مقیاس محقق ساخته نزاع با ۲۲ گویه بود (البته تعدادی از این

¹ Antaramian et al.

² Krejcie & Morgan

۳ گویه) است که پایایی همه آنها با آزمون همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ تعیین گردید. مطابق با محاسبات انجام شده ضریب پایایی برای مقیاس نزاع برابر با ۰/۸۹، برای رضایت از زندگی برابر با ۰/۸۵ و دسترسی به امکانات رفاهی برابر با ۰/۸۷ است. ضریب پایایی برای بعد نگرش به نزاع برابر با ۰/۸۲، برای بعد گرایش به نزاع برابر با ۰/۸۷ و برای بعد گرایش به انتقام برابر با ۰/۶۹ است که نشان می‌دهد مقیاس‌های طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند.

گویه‌ها قبلاً در پژوهش میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) استفاده شده بود) و با انجام تحلیل عامل اکتشافی به سه بعد (نگرش به نزاع، گرایش به انتقام و گرایش به نزاع) تقسیم گردید. این مقیاس ابتدا با مراجعه به نظرات داوران متخصص تعیین اعتبار محتوا گردید و سپس با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس، تعیین اعتبار سازه گردید که نتایج آن در جدول ۱ منعکس شده است و پایایی آن با آزمون همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ تعیین گردید. مقیاس رضایت از زندگی داینر و همکاران (شامل ۵ گویه)، دسترسی به امکانات رفاهی (شامل ۷ گویه) و تجربه عینی نزاع (شامل

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی مقیاس نزاع

واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	عامل‌ها			آیتم
		۳	۲	۱	
		گرایش به انتقام	گرایش به نزاع	نگرش به نزاع	اگر یکی از فامیلتان در درگیری بی‌گناه باشند، چقدر احتمال دارد به کمکش بروید؟
					اگر پای مسأله ناموسی در میان باشد میزان انگیزه شما برای نزاع چقدر است؟
					احترام اموات واجب است، در صورت بی‌احترامی به آنها، نباید دست روی دست گذاشت.
۳۴/۹	۷/۷				وقتی حیثیت فامیلی آدم از طرف دیگران لطمه خورده باشد صبوری معنایی ندارد.
					وقتی دیگران در مورد فامیل و قوم، طعنه‌هایی می‌زنند آدم نمی‌تواند صبر کند
					اگر کسی به فامیل و خانواده‌ام توهین کند حتماً با او درگیر می‌شوم.
					اگر کسی احترام سن بزرگترها را نداشته باشد باید او را ادب نمود.
					وقتی پای آبروی آدم در میان است صحبت از شکایت و قانون، بی‌معنی است
					اگر در بانک، کسی صف را رعایت نکند چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟
					اگر کسی در صف نانوائی بدون صف نان بگیرد چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟
۸/۳	۱/۸				اگر یک موتور در پیاده‌رو در حال عبور باشد چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟
					اگر کسی در خیابان بدون علت، به شما تنه بزند، چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟
					اگر کسی در خیابان به شما ناسزا بگوید، چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟
					اگر کسی طلب شما را ندهد چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟
					دعوا کردن می‌تواند نشانه غیرت و مردانگی باشد.
					به نظرم آدم باید کینه‌های گذشته را فراموش کند و نباید به فکر جبران آنها باشد
					اگر کسی به ما توهین یا فحاشی کند همه فامیل باید علیه او به پا خیزند.
۷/۲	۱/۶				اگر در انتخابات، حق شما یا دوست و فامیل ضایع شود حتماً شلوغ پلوغ می‌کنیم
					به نظرم امروزه نیازی به نزاع و زد و خورد نیست، قانون آدم را به حقش می‌رساند.
					اگر کسی به دنبال دختری محل یا فامیل راه بیفتد، او را یک کتک اساسی می‌زنم.

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy = 0/899
Bartlett's test of sphericity Chi-Square = 2963 df= 231 Sig=0/000

توصیف یافته‌ها

براساس یافته‌های توصیفی، از مجموع ۳۶۴ نفر پاسخگو، ۱۴۷ نفر (۴۰/۵٪) مجرد و ۱۷۷ نفر (۴۸/۶٪) متأهل بوده‌اند. میانگین سنی برابر با ۲۹/۷۷ سال و میانگین درآمد پاسخگویان برابر یک میلیون و دویست و بیست هزار تومان بوده است. از میان پاسخگویان ۳۴/۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم و

پایین‌تر و ۶۵/۱ درصد تحصیلات بالاتر از دیپلم داشته‌اند. میانگین نزاع افراد بر روی مقیاسی با دامنه ۹۲-۱۲ برابر با ۴۲/۶۶، میانگین تجربه عینی نزاع بر روی دامنه ۳-۰ برابر با ۱/۶۵، میانگین رضایت از زندگی بر روی دامنه ۲۵-۵ برابر با ۱۶/۳۱ و میانگین دسترسی به امکانات رفاهی بر روی دامنه ۳۵-۷ برابر با ۲۲/۶۴ بوده است.

جدول ۲- توزیع درصدی ویژگی‌های پاسخگویان

وضعیت تأهل	درصد	تحصیلات	درصد
مجرد	۵۴/۶	دیپلم و کمتر	۳۴/۹
متأهل	۴۵/۴	بالاتر از دیپلم	۶۵/۱
سن	مقدار	درآمد	مقدار (هزار تومان)
حداقل	۱۸	حداقل	۳۰۰
حداکثر	۶۰	حداکثر	۱۰۰۰۰
میانگین	۲۹/۷۷	میانگین	۱۲۲۰

یافته‌های استنباطی

جدول ۳- ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

سن	درآمد	تجربه عینی	رضایت از زندگی	دسترسی به امکانات	نگرش به نزاع	گرایش به نزاع	گرایش به انتقام
درآمد	-۰/۳۸						
تجربه عینی	**۰/۱۸۱	۱					
رضایت از زندگی	-۰/۰۴۶	**۰/۱۵۸	۱				
دسترسی به امکانات	**۰/۱۶۷	**۰/۱۸۹	-۰/۰۸۸	۱			
نگرش به نزاع	**۰/۱۶۷	-۰/۰۷۳	**۰/۲۶۷	-۰/۱۰۹	۱		
گرایش به نزاع	**۰/۲۲۸	-۰/۰۹۶	**۰/۲۷۱	-۰/۱۱۵	**۰/۵۸۳	۱	
گرایش به انتقام	**۰/۲۲۶	-۰/۰۷۲	**۰/۳۲۲	-۰/۱۸۹	**۰/۴۹۲	**۰/۵۱۸	۱
نزاع (شاخص کل)	**۰/۲۴۴	-۰/۰۹۶	**۰/۳۴۰	-۰/۱۸۰	**۰/۱۸۲	**۰/۸۶۹	**۰/۸۴۷

**p<0/001 **p<0/01 *p<0/05

می‌دهد. و متغیر دسترسی به امکانات رفاهی به غیر از بعد نگرش به نزاع، با سایر متغیرها همبستگی معناداری را نشان می‌دهد. می‌توان چنین برداشت نمود که متغیر درآمد دارای کمترین همبستگی با سایر متغیرها و سن و رضایت از زندگی دارای بیشترین همبستگی با سایر متغیرها و ابعاد هستند. به منظور مقایسه میانگین میزان نزاع و سه بعد آن در بین افراد

چنانچه در جدول فوق مشاهده می‌گردد، اکثر متغیرها و ابعاد با یکدیگر دارای همبستگی معنادار می‌باشند؛ از این میان، رابطه متغیر درآمد فقط با رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی معنادار می‌باشد، اما با سایر متغیرها همبستگی معناداری ندارد. تجربه عینی به جز با متغیر دسترسی به امکانات رفاهی، با سایر متغیرها همبستگی معناداری را نشان

مجرد و متأهل، از آزمون تی مستقل استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴- خروجی آزمون تی جهت مقایسه میزان نزاع با توجه به وضعیت تأهل پاسخگویان

ابعاد نزاع	وضعیت تأهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
نگرش به نزاع	مجرد	۱۷۷	۲۰/۲۴	۶/۱۵	۲/۹۳	۳۲۱	۰/۰۰۳
	متأهل	۱۴۶	۲۲/۳۳	۶/۵۳			
گرایش به نزاع	مجرد	۱۷۷	۷/۳۲	۴/۵۵	۲/۲۸	۲۶۲	۰/۰۲۷
	متأهل	۱۴۷	۷/۶۸	۶/۲			
گرایش به انتقام	مجرد	۱۷۷	۱۲/۴۱	۳/۱۳	۵/۴۳	۲۳۵	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۴۷	۱۴/۸۸	۵			
نزاع (شاخص کل)	مجرد	۱۷۷	۳۹/۹۷	۱۰/۶۲	۴/۰۷	۲۴۷	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۴۶	۴۵/۹۲	۱۵/۵۴			

نسب، بیشتر از جوانان و افراد مجرد بوده و در صورت بروز هرگونه بی‌احترامی نسبت به این مسائل رفتار پرخاشگرانه‌ای از خود بروز داده و در نهایت به نزاع منجر می‌گردد. پایین بودن میزان تحصیلات افراد مسن‌تر در مقایسه با افراد جوان‌تر می‌تواند علت دیگری بر افزایش گرایش به نزاع در متأهلان قلمداد شود. پاسخگویان مورد مطالعه، به لحاظ میزان نزاع با توجه به متغیر وضعیت تحصیلات نیز مورد مقایسه قرار گرفتند که نتایج حاصل از آزمون فرضیات به شرح ذیل است:

براساس اطلاعات جدول ۴، میانگین نزاع در همه ابعاد در بین افراد متأهل به طور معنی‌داری بیشتر از افراد مجرد می‌باشد و یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین افراد مجرد و متأهل در مورد نزاع وجود دارد. در مورد بالا بودن نزاع در بین افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد می‌توان بیان داشت که افراد متأهل به علت مشغله کاری و زندگی، صبر و حوصله کمتری در برخورد با مسائل داشته و در صورت بروز مشکل شروع به پرخاشگری نموده و درگیر در دعوا شوند. از یک جهت دیگر نیز می‌توان اشاره نمود که حساسیت افراد متأهل نسبت به مسائل ناموسی، احترام به بزرگترها و اصل و

جدول ۵- خروجی آزمون تی جهت مقایسه میزان نزاع با توجه به سطح تحصیلات پاسخگویان

ابعاد نزاع	سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
نگرش به نزاع	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۲۲/۲۵	۶/۰۹	۲/۲۰	۳۲۱	۰/۰۲۸
	بالتر از دیپلم	۲۱۰	۲۰/۶۱	۶/۵			
گرایش به نزاع	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۹/۱۱	۵/۹۴	۲/۷۴	۱۹۷	۰/۰۰۷
	بالتر از دیپلم	۲۱۱	۷/۳۱	۴/۹۷			
گرایش به انتقام	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۱۴/۳۵	۴/۶۳	۲/۵۴	۳۲۲	۰/۰۱۲
	بالتر از دیپلم	۲۱۱	۱۳/۱	۴			
نزاع (کل)	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۴۵/۷	۱۳/۹۳	۳/۰۳	۳۲۱	۰/۰۰۳
	بالتر از دیپلم	۲۱۰	۴۱	۱۲/۸۲			

برای بررسی دقیق‌تر تأثیر متغیرهای مختلف بر نزاع، از رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است. از بین متغیرهای وارد شده به مدل، متغیرهای تجربه عینی نزاع، تحصیلات، سن و دسترسی به امکانات تأثیر معنی‌داری بر نزاع داشتند و متغیر وضعیت تأهل از مدل خارج گردید.

همان‌طور که از نتایج آزمون تی مستقل و یافته‌های نمایش داده در جدول ۵ مشخص است بین میانگن نزاع در بین افراد با تحصیلات مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین صورت که افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل و گرایش بیشتری به نزاع دارند.

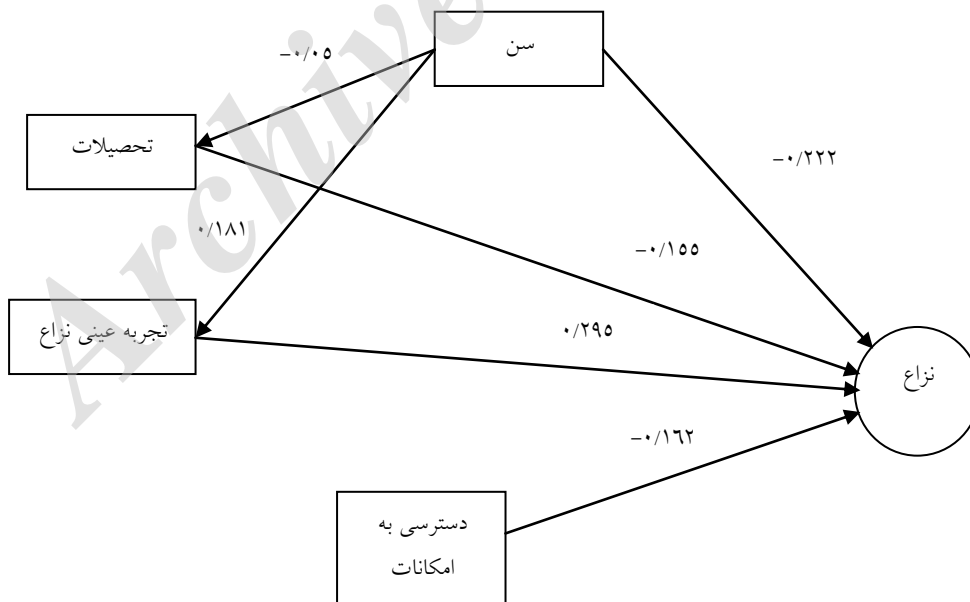
جدول ۷- نتایج رگرسیون گام به گام متغیر وابسته نزاع

متغیر پیش بینی کننده	B	β	t	Sig	R	R ²	F	Sig
تجربه عینی نزاع	۴/۰۲	/۲۹۵	۵/۷۶	۰/۰۰۰				
تحصیلات	-۴/۳۳	-/۱۵۵	۳/۰۲	۰/۰۰۳				
سن	-/۲۸۳	-/۲۲۲	۴/۳	۰/۰۰۰	/۴۵۸	۰/۲۹۷	۲۱/۱۱	۰/۰۰۰
دسترسى به امکانات رفاهی	-/۴۱۷	-/۱۶۲	۳/۰۱	۰/۰۰۲				

تغییرات میزان نزاع را در بین شهروندان تبیین نمایند.

براساس نتایج جدول ۷، متغیرهای تجربه عینی نزاع، تحصیلات، سن و دسترسی به امکانات رفاهی بیشترین تأثیر را در تبیین پدیده نزاع دارند و قادرند نزدیک به ۲۱ درصد از

مدل مسیر



نمودار ۱- رابطه متغیرهای مختلف با نزاع

بحث و نتیجه‌گیری

یزد و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بوده است. این تحقیق برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنان نظیر سن، وضعیت

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی میزان نزاع در بین شهروندان

فرینقتون و همکاران مشابه با تحقیقات افراد قبل، به این نتیجه رسیده بودند که بخشی از یادگیری هرگونه کنش اجتماعی مرتبط با شبکه‌های اجتماعی نظیر دوستان و خانواده است؛ یعنی اگر شبکه‌های حمایتی افراد خود مروج بزهکاری باشند، خواسته یا ناخواسته زمینه را برای بروز هرگونه رفتار ناهنجار از جمله شرکت در نزاع فراهم می‌سازند؛ در تحقیق حاضر نیز این امر به لحاظ تجربی تأیید گردید.

بین دسترسی به امکانات رفاهی و رضایت از زندگی با میزان نزاع همبستگی معنی‌داری و منفی یافت گردید که نشان می‌دهد هرچه دسترسی افراد به امکانات رفاهی و رضایت از زندگی در افراد کمتر شود میزان تمایل و گرایش آنها به نزاع افزایش می‌یابد و برعکس. که این یافته با نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو همخوانی دارد که اشاره می‌کند افراد در زمینه نیازها، سلسله مراتبی دارند که در رسیدن هر کدام به مرحله بعدی، نیازمند عبور و برطرف کردن نیازهای قبلی می‌باشد در صورتی که نیازها به ترتیب ارضا نگردند، افراد در رسیدن به مراحل کمال و خودشکوفایی دچار وقفه و آسیب خواهند شد، اگر افراد نیازهای زیستی و فیزیولوژیکی خود را برطرف ننمایند، نمی‌توانند به نیازهای بالاتر مثل احترام به خود و احترام به دیگران برسند و آن نیاز را ارضا نمایند که باعث ناکامی و خلاء فرد شده و فرد را به سمت ناهنجاری‌ها و بروز رفتارهای پرخاشگرانه (نزاع) سوق می‌دهد.

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اخلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد که از مهم‌ترین آنها، کاهش احساس امنیت در بین شهروندان می‌باشد. این پدیده در کشور ما که دارای بافتی چند قومیتی می‌باشد به عنوان پدیده‌ای مسأله‌ساز ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت

تأهل، تحصیلات و درآمد افراد را مورد بررسی قرار داده و نتایج به صورت توصیفی ارائه گردیده است. در بخش استنباطی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، به منظور تحلیل عمیق‌تر اطلاعات جمع‌آوری شده، مورد بررسی قرار گرفت. متغیر سن با میزان نزاع و ابعاد آن همبستگی معنی‌داری را نشان داده که از این جهت با نتایج تحقیقات عدالتی منش (۱۳۸۶)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) و واحدی و دیگران (۱۳۹۲) همسو بوده و با نتایج تحقیقات نظری (۱۳۸۶)، خیال پرستان (۱۳۸۸)، و حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی نداشته است. افراد متأهل نسبت به افراد مجرد میانگین نزاع بالاتری را نشان داده‌اند که با نتیجه تحقیق نظری (۱۳۸۶) همخوانی ندارد. بین افراد با تحصیلات مختلف به لحاظ میزان نزاع تفاوت معنی‌داری یافت گردید و مشخص شد که هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، تمایل و میزان گرایش کمتری به نزاع داشته‌اند، که این یافته با نتایج تحقیقات پورافکاری (۱۳۸۳)، نظری (۱۳۸۶) و حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) همسو بوده است. بین تجربه عینی نزاع و میزان نزاع در بین شهروندان همبستگی معنی‌داری یافت گردید. که این یافته با نتایج تحقیقات نظری (۱۳۸۶) و ربانی و همکاران (۱۳۸۸) همسو بوده است. یکی از روش‌های یادگیری، مشاهده است که از این طریق، مشاهده‌کنندگان رسماً پرخاشگری و نحوه آن را می‌آموزند (Bandura, 1973). برطبق تئوری یادگیری اجتماعی، افراد، از خانواده، دوستان و دیگران با نفوذ، همسایگان، رسانه‌ها و ... رفتارهای خود را شکل می‌دهند. در تأیید این امر وارنر و گریک (۲۰۰۴) همبستگی معنی‌داری بین دوستان و بروز پرخاشگری یافته بودند؛ یعنی افراد پرخاشگر دوستان پرخاشگری دارند (Sneath and Van Puymbroek, 2008: 353). بنابراین، پرخاشگری خود زاییده تجربه عینی نزاع، مشاهده و یادگیری است که برآیند آن نیز می‌تواند در گرایش افراد به رفتارهای ناهنجار (گرایش به نزاع) متجلی گردد؛ چیزی که در تحقیق حاضر نیز تأیید شده است.

منابع

- اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی می‌باشد. در این میان جهت کاهش نزاع در جامعه و فارغ بودن از مصائب و گرفتاری‌های این ناهنجاری پیشنهاداتی ارائه می‌گردد. با توجه به رابطه تحصیلات و میزان نزاع پیشنهاد می‌گردد که اهتمام افزون‌تری به آموزش خانواده‌ها و کاهش میزان بی‌سوادی صورت گیرد. حضور به موقع عوامل انتظامی در صحنه و استفاده از نیروهای باتجربه و دارای نگرش جامعه محور در مواجهه با نزاع‌ها به منظور کنترل سریع‌تر و بهتر نزاع‌ها، همچنین رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده‌های نزاع و استفاده از عوامل بازدارنده قوی از قبیل: اعمال جریمه‌های مادی و معنوی سنگین و ... نیز می‌تواند در کاهش نزاع مؤثر باشد. هرچقدر افراد مورد بررسی درخصوص نزاع، تجربه بیشتری پیدا کرده‌اند (تجربه عینی نزاع) گرایش بیشتری به آن داشته‌اند، لذا پیشنهاد می‌شود که رخداد نزاع پیش از پیش توسط سازمان‌های مربوطه کنترل و به حداقل برسد؛ زیرا متغیر تجربه عینی نزاع نشان داد که افراد هر اندازه بیشتر در معرض مشاهده نزاع و .. قرار بگیرند، به همان اندازه گرایش بیشتری به نزاع خواهند داشت، بنابراین بایستی از رخداد این امر در ملاً عام توسط سازمان‌های مسئول جلوگیری شود. آموزش جهت یادگیری ایجاد روابط اجتماعی بر مبنای اعتماد، احترام و ارزش، صداقت، مشورت، شعور، انتقاد و استدلال از طریق نهادهایی چون خانواده، نهادهای آموزشی و به ویژه رسانه‌های ارتباط جمعی می‌تواند در کاهش این مسأله تأثیرگذار باشد. همچنین، با توجه به گرایش بیشتر گروه‌های سنی جوان و نوجوان به این پدیده نسبت به گروه‌های سنی دیگر، توسعه نهادهای فرهنگی در سطح استان به ویژه سینما، پارک‌های علمی - تفریحی (با توجه به اینکه یک استان کویری بوده و مناطق تفریحی و گردشگری طبیعی کمی دارد)، کتابخانه، فرهنگ‌سرا و افزایش علاقمندی جوانان به شرکت در فعالیت‌های هنری، ورزشی و ... جهت سوق پتانسیل آنها به سوی فعالیت‌های مفید علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و ... ضروری می‌نماید.
- پورافکاری، نصراله. (۱۳۸۳). «نزاع‌های جمعی محلی»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۳۷۳-۳۸۶.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳). *چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌های ایرانیان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود و موسوی، محسن. (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، ش ۱ و ۲، ص ۳۴-۵۷.
- حسین‌زاده، علی حسین؛ نواح، عبدالرضا و عنبری، علی. (۱۳۸۹). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در شهر اهواز"، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال سیزدهم، شماره دوم، ص ۱۹۱-۲۲۵.
- حسینی، رضا. (۱۳۸۳). «آمار جرایم در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه، ص ۸۳-۱۲۱.
- حقیقی، جمال؛ مهربانی‌زاده، مهناز و زندی دره غریبی، تاج محمد. (۱۳۷۹). «رابطه سلسله مراتب نیازهای مازلو با اضطراب آموزشی و عملکرد تحصیلی با کنترل وضعیت اجتماعی-اقتصادی»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، دوره ۷، ش ۲-۱، ص ۱۰۳-۱۲۶.
- حیدری، محمد؛ اسلام پناه، محمد نورعلی و لشکری، علمدار. (۱۳۸۶). «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته جمعی مسلحانه در شهرستان

پزشکی براساس سلسله مراتب نیازهای مازلو»، مدیریت سلامت، دوره ۹، ش ۲۴، ص ۴۵-۵۰.

کوئن، بروس. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم*، تهران: انتشارات آن.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *گزارش سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.

میرفردی، اصغر، احمدی، سیروس و آسیه صادق‌نیا. (۱۳۹۰). «میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی*، ش ۲۵، ص ۱۴۷-۱۷۷.

میرفردی، اصغر و صادق‌نیا، آسیه. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد»، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۴۱-۷۳.

می‌یر، پیترو. (۱۳۶۸). *جامعه‌شناسی جنگ و ارتش*، ترجمه: محمد صادق مهدوی و علیرضا ازغندی، تهران: قومس.

نایی، هوشنگ و جسورخواجه، تقی. (۱۳۸۸). «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه روستاهای کویچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی)»، *فصلنامه توسعه روستایی*، ش ۱، ص ۱۱۵-۱۲۸.

نظری، جواد و امینی فسخودی، عباس. (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی، در مناطق روستایی استان ایلام»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۵۴، ص ۱۸۷-۲۱۰.

کهگیلویه»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال دوم، ش ۴، ص ۴۸۹-۵۰۰.

خراطها، سعید و جاوید، نورمحمد. (۱۳۸۴). «نزاع و درگیری در شهر تهران»، *فصلنامه مطالعات و امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی ناجا، سال دوم، ش ۶ و ۷، ص ۳۷-۵۵.

خیال پرستان، یعقوب. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری‌های محلی در میان روستائیان شهرستان دنا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان.

ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)»، *انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۲۶.

شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم و ملکی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان خدابنده»، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۹۵-۱۱۸.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: انتشارات آن.

عشایری، طاها و ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۲). «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی روستایی (مورد مطالعه: روستای پریخان از توابع شهرستان مشکین شهر)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۳۴، ص ۶-۳۹.

کشتکاران، علی؛ خوارزمی، عرفان و یوسفی، صدیقه. (۱۳۸۵). «بررسی نیازهای انگیزشی پرستاران بیمارستان‌های آموزشی منتخب دانشگاه علوم

- Snethen, G. and Van Puymbroek, M. (2008) "Girls and Physical Aggression: Causes, Trends, and Intervention Guided by Social Learning Theory", *Aggression and Violent Behavior*, vol. 13 (5), p 346-354.
- Steadman, D. (2008) "Warfare Related Trauma at Orendorf, A Middle Mississippian Site in West-Central Illinois", *American Journal of Physical Anthropology*, vol. 136, p 51-64.
- Tung, T. (2007) "Trauma and Violence in the Wari Empire of the Peruvian Andes: Warfare, Raids, and Ritual Fights", *American Journal of Physical Anthropology*, vol. 133, p 941-956.
- Vowell, Paul R. (2007) "A Partial Test of an Integrative Control Model: Neighborhood Contexts, Social Control, Self- Control, and Youth Violent Behavior", *Western Criminology Review*, vol. 8(2), p1-15.
- http://yz.imo.ir
- نظری، جواد. (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۷۷-۹۴.
- واحدی، ناصر؛ بهستانی، رضا و حسن‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲ (مطالعه موردی شهر خوی)»، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، سال ششم - ش ۲۱، ص ۴۷-۷۴.
- وزارت کشور. (۱۳۸۳). گزارش آمارهای مربوط به نزاع.
- هاشمی، ضیاء. (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نزاع»، مجموعه مقالات اولین همایش تأثیر نزاع بر امنیت اجتماعی، یاسوج، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، ص ۷-۲۸.
- Antaramian, Susan P. Huebner, Scott E. Valois Robert, F. (2008) "Adolescent Life Satisfaction", *Applied Psychology: an International Review*, vol. 57, p 112-126.
- Bandura, Albert. (1973) *Aggression: A social learning analysis*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Haynie, D.L., Silver, E., Teasdale, B. Haynie, D.L. Silver, E. & Teasdale, B. (2006) "Neighborhood Characteristics, Peer Networks and Adolescent Violence". *Journal of Quantitative Criminology*, vol. 22, p 147-169
- Krejcie, R. V. & Morgan, D.W. (1970) "Determining Sample Size for Research Achological Measurement", vol. 30, p 607-610.
- Mcintosh, C. (2001) "Report on the Construct Validity of the Temporal Satisfaction With Life Scale". *Social Indicators Research*, vol. 54 (1), p 37-56
- McLaughlin, M. (1990) "The Woman Warrior: Gender, Warfare and Society in Medieval Europe". *Women's Studies*, vol.17, p 193-209.
- Mendoza, M. G. (1995) *System of society*, "mami-dadc community colley, sixth edition.

An Investigation into the Phenomenon of Aggressiveness among Yazd Citizens

Seyed Alireza Afshani

Associate Professor, Department of Sociology, Yazd University, Iran

Saeed Navaiy

M.A. in Demography, Yazd University, Iran

Mojtaba Delbazi Asl

M.A. in Demography, Yazd University, Iran

Corresponding author, e-mail: afshanalireza@yazd.ac.ir

Introduction

Aggression is a kind of disorder in social relationships among individuals and groups which is considered as one of the most important problems in contemporary society. This problem has different social consequences, the most significant of which is declining of different dimensions of security in society. Street aggression might result in assault and physical violence as well as verbal abuse and insult. Such quarrels may happen given the social, cultural and economic situations in every society and its rate is more or less due to different factors. Increasing poverty, unemployment and inflation are considered as effective and important factors in growing crimes and aggression. Meier believes that "aggression is disciplinarily obvious and directly visible, which might occur at least between two individuals" (Meier, 1989: 24). The problem appears necessary to investigate with regard to murder, organ deficit, prison, financial deficiency and irrecoverable mental crisis for those who are involved in an act of aggression and their families and creating consequences such as increasing social hurts, negative effects on social security and ruining the cultural reputation of a place. Having created disorder in social relationships, this phenomenon makes an atmosphere full of enmity, spite and grudge among individuals, paving the way for skirmish and strong tensions. This research attempts to study and measure factors that influence the rate of aggression among 15-60 year-old citizens of Yazd.

Materials and Methods

The research has been carried out using a survey method. The statistical population included a total of 15-60-year-old male citizens in Yazd, and the sample size was determined to include 324 subjects using Krejcie and Morgan's Table. The instrument for data collection was a questionnaire which was made based on aggression characteristics (of course, some items were used by Mirfardi et al, 2011). Using explanatory factor analysis, namely, attitude to aggression, tendency to revenge and tendency to aggression, the concept of aggression was divided into 3 dimensions. Diner et al.'s scale of life satisfaction comprised of 5 items, access to welfare facilities comprised of 7 items, and aggression objective experience comprised of 3 items constitute other sections of the instrument. The reliability coefficient for aggression scale was 0.89, 0.85 for life satisfaction and 0.87 for access to welfare to facilities.

Discussion of Results and Conclusions

Based on the descriptive findings, from among the total number of 324 respondents, 147 were single (45.4%) and 177 were married (54.6%). The age mean was 29.77. Among the respondents, 34.9 percent had

diploma (associate degree) or lower and 65.1 percent had a higher degree. The individuals' mean of aggression on the scale of 12-92 was equal to 42.66, the mean of aggression objective experience on the scale of 0-3 was 1.65, mean of life satisfaction on the scale of 5-25 was equal to 16.31, and mean of access to welfare facilities on the scale of 7-35 was equal to 22.64.

Most of the variables have a statistically significant correlation with each other. Age variable has a significant and negative relationship with other variables except life satisfaction and income. Tendency to aggression ($r = -0.228$) and tendency to revenge ($r = -0.226$) variables have a significant, negative relationship with age, indicating that young people have a more tendency to get involved in acts of aggression and revenge than the elderly.

Income variable has a positive and significant relationship with life satisfaction ($r = 0.158$) and access to welfare facilities ($r = 0.189$) variables, that is, as income increases, their access to facilities will rise and hence, their life satisfaction will increase. But income does not have a significant relationship with other variables.

The phenomena of aggression in a society produces challenges and problems that create an atmosphere full of enmity, spite and grudge among individuals, by fostering disorder in social relationships, paving the way for skirmish, dispute and strong tensions, and decreasing the feeling of security among citizens.

This phenomenon poses a great problem in our country which has a multiracial context. On the other hand, aggression and violence are unfortunately still those issues in some Iranians' culture which are an index of power or even protecting social, cultural and family prestige. Given the relationship between education and rate of aggression, it is recommended that serious attempt to be made to educate families and diminish the rate of illiteracy. As individuals gain more experience in acts of aggression, they adopt a higher tendency toward it. Hence, it is suggested that the occurrence of aggression will be controlled and minimized by relevant organizations. Given the higher tendency of adolescents and youth to this phenomenon, it is necessary for cultural organizations in the province of Yazd to establish such urban facilities as cinemas, amusement-scientific parks, libraries, academic centers, whereby increasing youth's interests to participate in acts and activities of sport and amusement.

References

- Ashayeri, T. and Imani-Jajarmi, H. (2013) "Sociological Study of Effective Factors on Forming of Rural Collective Quarrels (Case Study: Parikhan Village from Meshkin Shahr town)", *Social Security Studies*, No. 34, p 6-39.
- Chalabi, M. (1993) *the Sociology of Order*. Tehran: Ney publications.
- Chalabi, M. (2004) *Conceptual framework of Iranian's values survey*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Chalabi, M. and Mousavi, M. (2008) "Investigating Sociologic of Effective Factors on Happiness at Micro and Macro levels", *Journal the Sociology of Iran*, No. 9(1-2), p 34-57.
- Cohen, B. (1993) *Introductory of Sociology* (translated by Gholam Abbas Tavasoli and Reza Fazel), Tehran: SAMT.
- Haghighi, J. Mehrabi-Zadeh, M. and Zandi Dareh-GHaribi, T. (2000) "The Relation between Maslow's Hierarchy of Needs and School Anxiety and Educational Performance with Controlling Economic- Social Situation", *Journal of Psychology and Education*, No. 7 (1-2), p 103- 126.
- Hashemi, Z. (2008) *Investigating of social and cultural dimensions of quarrel*. The collection of articles of the first seminar of quarrel's effect on social security, Yasouj, the bearue of applied research of order commands of Kohgilouye and Boyerahmad province.
- Heidari, M. Islampanah, M. and lashkari, A. (2007) "Proportional Factors with Order Management of Collective Quarrel in Kohgilouye Town", *Order Management Studies*, 2th year, No. 4, p 489-500.
- Hezarjaribi, J. and Safari-Shali, R. (2009) "Investigating of Life Satisfaction and Setting of Security Feeling in It", *Social Order*, No. 1(3), p 7-28.
- Hossainzadeh, A. Navah, A. and Anbari, A. (2010) "Investigating Sociologic Effective Factors on Ratio Tendency to Collective Quarrel in Azvaz", *Danesh-e-Entezami*, No. 13 (2), p 191-225.
- Hossini, R. (2004) *the statistics of Crimes in Iran. The collection of articles of the first seminar of social pathology in Iran*. Tehran: Iran sociology association.
- Iran statistical center (2011) Census 2011.
- Keshtkaran, A. Kharazmi, E. and Yoosefi, S. (2006) "Investigating of Motivating Needs of Educational Hospitals Nurses of Medical Sciences University Based on Maslow's Hierarchy Needs", *Health Management*, No. 9(24), p 45-50.
- Kharatha, S. and Javid, N. (2005) "Quarrel and Disputation in Tehran City", *Social Security Studies*, NAJA social assistant. 2th year.
- Khialparastan, Y. (2009). "Study of effective factors on quarrel and local disputations among villagers in Dena town", the thesis of M.A, Dehaghan Islamic Azad University.
- Meier, P. (1989) *Sociology of war and arms* (translated by: Mohammad Sadegh mahdavi and Alireza Azghandi). Tehran: ghoomes.
- Ministry of the Interior (2004) *Report of statistics pertaining to quarrel*.
- Mirfardi, A. Ahmadi, S. and Sadegh-Nia, A. (2011) "Tendency to Collective Quarrel and Factors Affect on It among 15-65 Boyerahmad town". *Social Studies*, No. 25, p 147-177.
- Mohseni-Tabrizi, A. (2004) *Vandalism*. Tehran: Ann publications.
- Nayebi, H. and Jasoor- Khaje, T. (2009) "Investigating of Collective Quarrels (Case Study: Afshord and Koviech Villages from Khaje Section in East Azerbaijan Province)", *Rural Development*, No. 1, p 115-128.
- Nazari, J. (2007) "Sociological Explanation of Tendency Ratio on Collective Quarrel in Ilam Province", *Social Security Studies*, No. 3(10), p 77-94.
- Nazari, J. and Amini-Faskhoodi, A. (2008) "Sociological Explanation of Effective Factors on Tendency to Collective Quarrel in Rural Regions of Ilam Province", *Journal of Human*

- and Social Sciences of Shiraz University*, No. 54, p 187-210.
- Poorafkari, N. (2004), "Local collective quarrels", in: *first national seminar, iran's sociological problems design (373-386)*, Tehran: Allame Taba Tabaiy University.
- Rabani, R. Abbaszadeh, M. and Nazari, J. (2009) "Study of Effective Cultural-Social Factors on Tendency to Collective Quarrel (Case Study: Illam's Selective Towns)", *Social Order*, No. 1(3), p 103-126.
- Sedigh Sarvestani, R. (2004) *Social pathology* (sociology of social deviance), Tehran: Ann publications.
- Shariati, M. Mohajeri, M.K. and Maleki, A. (2012). "Investigating of Effective Factors on Talents to Collective Quarrel in Khodabande City", *Social Order*, No. 2(2), p 95-118.
- Vahedi, N. Behestani, R. and Hassanzadeh, M. (2013) "Investigating Effective Factors on Quarrel and Disputation in Citizens' Perspective (Case Study: Khoy City)", *Western Azarbaijan's, Order Knowledge*, No. 6(21), p 47-74.

Archive of SID